



The Impact of Cottage and Palatial Life on People (People and Society) from Imam Khomeini's Perspective

Gholamreza Jamshidiha¹ | Maryam Sha'ban²

1. Professor, Department of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: gjamshidi@ut.ac.ir
2. Corresponding Author, PhD in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: m69.shaban@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 17 May 2023
Received in revised form: 18 July 2023
Accepted: 25 August 2023
Published online: 25 October 2023

Keywords:

Cottage, Palace,
Underprivileged, Luxury,
Islamic Society.

ABSTRACT

The topic of the current research is “The effect of cottage and palace life on people (people and society) from the perspective of Imam Khomeini.” The purpose of the research is to examine, from the perspective of Imam Khomeini, the nature and manner of living in cottages and palaces, as well as their impact on social life and human behavior.

A qualitative approach and “documentary analysis” constitute the research methodology. In order to conduct research, the focus is on primary sources, which are the foundation of the research's validity.

The research demonstrates that in Islamic societies, palatialism and palatial architecture are corrupting and detrimental to society. Because it creates social distance, general mistrust, a weakened sense of solidarity and social cohesion, a sense of injustice, and ultimately social conflict. But the cottage style is distinct in addition to fostering solidarity, cohesion, and trust in the society, it lays the groundwork for more participation, since the purpose of every action and participation is to please God. As a result, in addition to motivating the activist, it promotes the reproduction of more participation and activity in the service of the community.

The results indicate that a society with a nomadic spirit is stable and will grow and develop, and that enemies cannot harm the society during crises such as wars, seditions, and sabotage because the people and government, as a cohesive whole, reject and repel any strike.

Cite this article Jamshidiha, Gh.R., & Sh'ban, M. (2023) The Impact of Cottage and Palatial Life on People (People and Society) from ... *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(3):83-98.

<https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.359421.1613>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.359421.1613>



تأثیر زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی بر انسان (مردم و جامعه) از منظر امام خمینی (ره)

غلامرضا جمشیدیها^۱ | مریم شعبان^۲

۱. استاد گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: gjamshidi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول؛ دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m69.shaban@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳</p> <p>کلیدواژه‌ها: تجمل پرستی، جامعه اسلامی، کاخ‌نشینی، کوخ‌نشینی، مستضعفان.</p>	<p>پژوهش حاضر درباره موضوع «تأثیر زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی بر انسان (مردم و جامعه) از منظر امام خمینی (ره)» انجام شده است. هدف پژوهش، بررسی ماهیت و چگونگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی و تأثیر آن‌ها بر زندگی اجتماعی و رفتار انسان است که از منظر امام خمینی (ره) به آن‌ها پرداخته شده است. روش پژوهش با رویکرد کیفی و طرح تحقیق «تحلیل اسنادی» است. برای انجام پژوهش بر منابع دست‌اول تمرکز شده است که مبانی اعتبار پژوهش هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در جامعه اسلامی، کاخ‌نشینی و زندگی به این سبک فساد و برای جامعه مضر است؛ زیرا موجب ایجاد فاصله در اجتماع، بی‌اعتمادی عمومی، تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی، ایجاد حس بی‌عدالتی و درنهایت تضاد و تعارض در جامعه می‌شود، اما کوخ‌نشینی و داشتن این روحیه سبب همبستگی، انسجام و اعتماد در جامعه می‌شود و بستر مشارکت هرچه بیشتر را فراهم می‌کند؛ زیرا هدف از هر اقدام و مشارکتی رضای خداوند است و چنین امری علاوه بر اینکه در کنشگر ایجاد انگیزه می‌کند سبب بازتولید مشارکت و فعالیت بیشتر در خدمت جمع و جامعه می‌شود. براساس نتایج پژوهش، جامعه‌ای با روح کوخ‌نشینی پایدار است و رشد و توسعه خواهد یافت و همچنین دشمنان، در بحران‌ها از جمله جنگ‌ها، فتنه‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌توانند خدشه‌ای به آن وارد کنند؛ زیرا مردم و حاکمیت در قالب کلیتی منسجم، هر ضربه‌ای را نمی‌پذیرند و آن را دفع می‌کنند.</p>

استناد: جمشیدیها، غلامرضا، و مریم شعبان. (۱۴۰۲). تأثیر زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی بر انسان (مردم و جامعه) از منظر امام خمینی (ره). فصلنامه علمی نظریه‌های

اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳(۳): ۸۳-۹۸. <https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.359421.1613>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/JSTMT.2023.359421.1613>

۱. مقدمه و بیان مسئله

اندیشمندان مسلمان از جمله ابن خلدون تأکید کرده‌اند انسان به شدت تحت نفوذ اقلیم و محیط طبیعی است. تأثیرات محیط طبیعی در خصوصیات ظاهری و باطنی انسان و همچنین محدودیت‌هایی که محیط برای انسان از لحاظ امکانات خارجی فراهم می‌آورد انکارنشده است (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۷۵). ابن خلدون درباره تأثیر زندگی اجتماعی بر فرد و اثرپذیری او از روابط اجتماعی تأکید بسیار می‌کند. او عاداتی را که انسان در محیط اجتماعی کسب می‌کند معادل طبیعت و سرشت فرد می‌داند و به آن «طبیعت ثانوی» می‌گوید (همان: ۸۶۴). به عقیده ابن خلدون، فرد در اجتماع زاده و پرورده می‌شود. همچنین مطابق الگوهای ارزشی همان جامعه رشد می‌یابد و متناسب با هنجارهای رفتاری آن عمل می‌کند؛ تا آنجا که این عادات جانشین سرشت و طبیعت اولیه او می‌شود. ابن خلدون در این باره می‌گوید اصل قضیه این است که انسان ساخته و فرزند عادات و مأنوسات خود است نه فرزند طبیعت و مزاج خویش و به هر چه در آداب و رسوم است انس گیرد تا آنکه خوی و ملکه و عادات او شود، سرانجام همان چیز جانشین طبیعت و سرشت او می‌شود و اگر به این وضع در مردم دقت کنیم نمونه‌های صحیح و بسیاری از آن خواهیم یافت (همان: ۲۳۶)، اما عادات و رسوم بر طبایع آدمی غلبه می‌کنند و درحقیقت انسان فرزند عادات خویش است نه فرزند خاندان و نسبش (همان: ۷۶۰)؛ بنابراین علاوه بر سرشت فطری خود از محیط اجتماعی و فرهنگی خویش تأثیر می‌پذیرد و رفتارش براساس هنجارها و عادات جامعه‌اش شکل می‌گیرد.

فارابی نیز در بحث خود درباره مدینه فاضله و جاهله تأکید می‌کند انسان براساس شرایط محیطی‌اش شکل می‌گیرد. او در مدینه جاهله نمی‌تواند سعادت واقعی را بشناسد و به آن دست یابد، اما در مدینه فاضله، براساس شرایط محیطی سعادت واقعی را می‌شناسد و می‌تواند به آن دست یابد. پیرو این امر فارابی بیان می‌کند «شهری مدینه فاضله است که مقصود از اجتماع در آن، تعاون بر اموری باشد که موجب سعادت است. اجتماع افراد با این هدف، اجتماع فاضل است و امتی امت فاضله است که شهرهای آنان بر اموری تعاون کنند که موجب حصول سعادت باشد. اگر همه امت‌ها همین گونه باشند، مناطق مسکونی کره زمین مناطق فاضله خواهند بود، اما اهالی مدینه جاهله سعادت واقعی را نمی‌شناسند و آنچه سعادت می‌پندارند سلامتی، رفاه، خوش‌گذرانی و آزادی در خواسته‌ها است. از نظر اهالی این مدینه، اگر همه این امور در مدینه جمع شود، به سعادت بزرگ رسیده‌اند. از نظر آن‌ها اعداد این امور موجب شقاوت است» (فارابی، ۱۳۹۸: ۵۰-۳۴)؛ بنابراین فارابی زندگی فردی را متأثر از زندگی مدنی و اجتماعی می‌داند و معتقد است سعادت واقعی فردی زمانی میسر است که فرد در میان امت مدینه فاضله به سر برد. از منظر اندیشمندان مسلمان از جمله ابن خلدون و فارابی، انسان متأثر از محیط و جامعه خویش است. اگر انسان شرایط اجتماعی مناسبی داشته باشد، می‌تواند به کمال مطلوب دست یابد؛ در غیر این صورت به پستی و نابودی خواهد رسید.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌پرستی، نقش بی‌بدیلی در رشد فردی و اجتماعی دارد. ساده‌زیستی موجب حق‌پذیری و حق‌پرستی، رشد دنیوی و اخروی، آسودگی خاطر، رشد فکری و رفتاری، حکمت و بصیرت، رشد اعتقادی، گفتاری و رفتاری و شناخت عیوب دنیا، شجاعت و استحکام می‌شود. ساده‌زیستی از فسادهای بسیاری جلوگیری می‌کند و سبب درک وضعیت محرومان می‌شود؛ به شکلی که در سطح کلان زمینه رشد اخلاقی و عزت‌نفس عمومی را فراهم می‌آورد (زاهدی و کریمی‌درچه، ۱۳۹۱).

بسیاری از اندیشمندان و متفکران مسلمان مانند ابن‌خلدن، فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی به اهمیت ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی، رفاه‌پرستی و مصرف‌گرایی تأکید کرده‌اند. حتی اندیشمندان غربی همچون توبین‌بی، ویل دورانت، سوروکین و اشنپنگلر نیز تجمل‌گرایی، رفاه‌پرستی و مصرف‌گرایی را عواملی برای زوال تمدن‌ها بیان کرده‌اند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۹؛ محسن، ۱۳۵۸؛ سوروکین،

۱۳۷۷؛ اشپنگلر، ۱۳۶۹). از منظر آموزه‌های قرآنی-اسلامی، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی موجب تضاد، نارضایتی و مفساد است؛ به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی بر ساده‌زیستی، پرهیز از رفاه‌طلبی، تجمل‌پرستی، اسراف، تبذیر و تکبر تأکید شده است. هدف از آموزه‌های دین اسلام حفاظت از جامعه براساس عدل، قسط و تعالی بشر است. با توجه به آیات قرآن کریم، جامعه‌ای که به رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و نابرابری دچار شود، دچار فروپاشی و نابودی خواهد شد؛ بنابراین قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) همواره بر ساده‌زیستی، کم‌توجهی به دنیا و امور زندگی دنیوی، پرهیز از رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی تأکید داشته‌اند.^۱ بررسی تاریخی نیز نشان می‌دهد عوامل موفقیت پیامبران در دعوت به سوی حق، پرهیز از نابرابری و اجرای قسط و عدالت بوده است. پیرو همین امر قرآن کریم می‌فرماید: «همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و به آن‌ها کتاب و میزان دادیم تا مردم براساس عدالت زندگی کنند» (حدید، آیه ۲۵)؛ بنابراین عدالت، پرهیز از دنیاطلبی، تجمل و رعایت ساده‌زیستی از جمله هدف‌هایی هستند که حکومت دینی اسلامی باید دنبال کند.

در جامعه اسلامی ایران، بعد از انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران، بارها در گفتارها و تقریراتش به پرهیز از تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و دنیاپرستی در قالب خوی کاخ‌نشینی هشدار داده و همواره به مزایای ساده‌زیستی در قالب کوخ‌نشینی تأکید کرده است. ایشان نیروی اصلی و عاملان پیروزی انقلاب اسلامی را قشر مستضعفان و محرومان جامعه به‌عنوان کوخ‌نشینان می‌داند. از منظر امام خمینی (ره) همین کوخ‌نشینان با پرهیز از دنیاطلبی و تشریفات، تمرکز بیشتری بر معنویات، دین اسلام و تحقق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. آن‌ها با ساده‌زیستی بستر را برای بازسازی از ظلم، فاصله طبقاتی و ایجاد عدل فراهم می‌کنند. از منظر امام خمینی (ره) همین کوخ‌نشینان و روحیه آن‌ها است که به پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن و حتی گذار از بحران‌هایی همچون هشت سال دفاع مقدس منجر شده است. از منظر ایشان، زندگی دنیوی آکنده از اسراف و تبذیر، سنگدلی و لذت‌جویی است که آفت و مخرب فرد و جامعه هستند. همه این شرایط، انسان را برده دنیا و مظاهر آن می‌کند و جامعه را به نابودی می‌کشاند. از منظر ایشان بعد از انقلاب اسلامی، در راستای تداوم جامعه اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باید برای پرهیز از دنیاگرایی و رفاه‌طلبی تلاش کرد. امام خمینی (ره) مطرح می‌کند کوخ‌نشینی که انقلاب اسلامی را محقق کردند و جایگاه‌های قدرت و مدیریت را در دست گرفتند، باید هوشیار باشند و روحیه کوخ‌نشینی خود را حفظ کنند و از کاخ‌نشینی بپرهیزند. همچنین باید به تقویت روحیه کوخ‌نشینی بپردازند و هوشیارانه از کاخ‌نشینی بپرهیزند؛ بنابراین برای پرهیز از کاخ‌نشینی و افتادن کنشگران و جامعه در ورطه آن، نیازمند ارائه شناختی دقیق از زندگی‌های کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی هستیم. بررسی دقیق ویژگی‌های کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی، احصای شاخصه‌های زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی، بررسی و تحلیل پیامدها و اثرهای کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی برای فرد و جامعه باید به‌طور شفاف احصا و ارائه شوند که در پژوهش حاضر به آن‌ها می‌پردازیم.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی در جامعه از منظر امام خمینی (ره) به‌منظور شفاف‌سازی و ارائه فهمی جامع از پیامدها و اثرهای آن‌ها برای فرد و جامعه است. پیرو همین امر پرسش‌های پژوهش به شکل زیر است:

۱- انسان از منظر امام خمینی (ره) چگونه است و انسان واقعی در چه شرایطی ساخته می‌شود.

^۱ در این باره حضرت علی (ع) می‌فرماید: هیچ کاخی ندیدم که حقی در کنار آن ضایع نشده باشد. امام علی (ع) درباره ساده‌زیستی پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: روی زمین غذا می‌خورد و همچون بندگان می‌نشست و به دست خود کفشش را پینه می‌زد و جامه خود را وصله می‌کرد و بر الاغ بی‌بالان سوار می‌شد و دیگری را در کنار خود سوار می‌کرد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰).

- ۲- امام خمینی (ره) کوخ نشینی و کاخ نشینی را چگونه بیان می کند و چه شاخصه‌هایی برای آن‌ها مطرح می کند.
۱. ویژگی‌های روان شناختی کوخ نشینان و کاخ نشینان از منظر امام خمینی (ره) کدام‌اند.
۲. نقش کوخ نشینان و کاخ نشینان در انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره) چگونه است.
۳. پیامدهای زندگی کوخ نشینی و کاخ نشینی برای جامعه از منظر امام خمینی (ره) چگونه است.
۴. توصیه‌های امام خمینی (ره) به اقشار و حاکمان درباره کوخ نشینی و کاخ نشینی کدام است.
۵. پیش‌بینی و نظر امام خمینی (ره) درباره ظهور کاخ نشینی و تضعیف کوخ نشینی بعد از انقلاب اسلامی چگونه است.

۳. پیشینه تحقیق

جست‌وجو برای یافتن پژوهشی که درباره تأثیر زندگی کوخ نشینی و کاخ نشینی بر انسان و جامعه از منظر امام خمینی (ره) انجام شده باشد، بی نتیجه ماند. تنها پژوهش رشیدی و همکاران (۱۳۹۷) نشان می دهد امام خمینی (ره) خودش ساده زیست بود و بر ساده زیستی دولتمردان و کارگزاران سیاسی تأکید داشت. از منظر امام خمینی (ره) چنین امری یکی از عوامل اصلی حفظ، ثبات و سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین در پژوهش حاضر به طور متمرکز بر بررسی و تحلیل «تأثیر زندگی کوخ نشینی و کاخ نشینی بر انسان (مردم و جامعه) از منظر امام خمینی (ره)» متمرکز می شویم.

۴. مبانی مفهومی

براساس فرهنگ دهخدا کوخ به معنای خانه‌ای است که از چوب، نی و علف ساخته شده است. همچنین کوخ در قاموس خانه‌ای است که روزن داشته باشد، اما کوخ نشینان اصطلاحی برای اشاره به فقیرترین افراد جامعه است که به دلیل کاخ نشینی عده‌ای ظالم، توان کسب درآمد را از دست داده‌اند؛ بنابراین در برابر کوخ نشینان، کاخ نشینان قرار دارند. از منظر فرهنگ دهخدا نیز کاخ نشین یعنی ثروتمند و مرفه و به افرادی اشاره می کند که به دلیل ثروت خود در قصر زندگی می کنند (دهخدا، ۱۳۸۵).

در اندیشه امام خمینی (ره) مفاهیم کوخ نشینی و کاخ نشینی دو مفهوم مهم هستند که پاره‌ها در سخنرانی‌ها و تقریرات به آن‌ها اشاره شده است. کوخ نشینی و کاخ نشینی از منظر امام خمینی (ره) نوعی نحوه زندگی در جامعه هستند. آن‌ها به صورت یک دوگانه تعریف و از نظر ارزشی رد و تأیید می شوند. کوخ نشینی، خوی و شکل زندگی مبتنی بر اخلاق و دین داری، پرهیز از دنیا طلبی و ساده زیستی، دوری از وابستگی به مقام و منصب و همچنین به فکر مردم بودن و از خودگذشتگی است. همچنین از منظر امام، کوخ نشینی در جامعه سبب دگرخواهی، خدمت به جمع و جامعه و سبب رشد و توسعه جامعه می شود. در اندیشه امام خمینی (ره) کاخ نشینی به عنوان دیگری کوخ نشینی بیان شده است. کاخ نشینی خوی و شکل زندگی مبتنی بر دنیا طلبی، لذت جویی دنیا، منفعت طلبی و وابستگی به تعلقات و مادیات زندگی دنیوی است که سبب فردگرایی افراطی مبتنی بر خودخواهی و منفعت طلبی و در نتیجه اضمحلال و نابودی جامعه می شود؛ بنابراین ایشان کوخ نشینان را عاملان اصلی مبارزه علیه رژیم طاغوتی پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی می داند و به نشر زندگی کوخ نشینی و حفظ آن تأکید مستمر دارد (خمینی، ۱۳۸۹).

۵. روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و روش پژوهش نیز تحلیل اسنادی است. پژوهشگران ابتدا منابع مربوط و معتبر را شناسایی کردند و سپس به بررسی و تحلیل مطالب مرتبط با مسئله پژوهش که در منابع مذکور ذکر شده بودند پرداختند.

۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

۶-۱. انسان از منظر امام خمینی (ره)

در پاسخ به این پرسش که رویکرد امام خمینی (ره) به انسان چگونه است، باید گفت ایشان انسان را موجودی پیچیده می‌داند که از جهان مادی و معنوی همه را دربرمی‌گیرد. او مطرح می‌کند که «انسان یک موجود جامع است نه یک موجود یک‌بعدی یا دوی‌بعدی. از منظر امام، انسان مراتب دارد. آن کسی که رفته سراغ آن مرتبه بالای انسان و از این مراتب غافل شده، اشتباه کرده و آن کسی که چسبیده به این عالم ماده و مرتبه طبیعت را دیده و غافل از ماورای طبیعت است این هم اشتباه کرده» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۸-۹)؛ بنابراین از نظر امام خمینی (ره) انسان نباید خود را به یک بعد محدود کند، بلکه باید تکامل خود در همه ابعاد را مدنظر داشته باشد. برای این کار او نیازمند راهنما است تا بتواند خود را در همه ابعاد رشد بدهد؛ زیرا انسان شدن نیازمند تلاش خود فرد برای گذر از ابعاد مادی و توجه و تقویت ابعاد معنوی و روحانی است.

امام خمینی (ره) بیان می‌کند همه انسان‌ها فطرت دارند و از این منظر با یکدیگر مشترک‌اند. «انسان از اول با فطرت خوب به دنیا آمده، با فطرت الهی به دنیا آمده که آن فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است و تربیت است که این فطرت را شکوفا کرده و یا جلوی آن را می‌گیرد؛ لذا انسان دارای فطرت الهی تمایل حرکت به سوی خداوند را دارد». امام خمینی (ره) براساس آیه فطرت بیان می‌کند «همه انسان‌ها به امور فطری مخمرند و عالم و جاهل، وحشی و متمدن، شهری و صحرائین، الهی و طبیعی، احدی در آن با دیگران تفاوت ندارد و همه به‌طور مساوی از آن برخوردارند». امام خمینی (ره) بیان می‌دارند با وجود یکسانی و اتحاد، اختلاف در میان انسان‌ها نیز وجود دارد: «از آن جهت که انسان از خویشتن حقیقی خویش غفلت می‌ورزد، اختلافاتی بین انسان‌ها پدید می‌آید. دلیل دیگر اختلاف انسان‌ها خطای در تطبیق توسط برخی از آنان است. به‌واسطه احتجاب به طبیعت و دل‌بستگی‌های ضعیف یا شدید به دنیا، انسان در تشخیص کمال مطلق دچار اشتباه شده و فکر می‌کند کمال در لذایذ دنیا است و چون جمال دنیا در چشم آنان زینت می‌یابد، به‌طور فطری متوجه آن می‌شوند، اما گروهی نیز کمال را در مقامات و درجات آخرت می‌بینند؛ بنابراین بین انسان‌ها اختلاف پدید می‌آید» (همان: ۱۸۹-۱۹۰)؛ بنابراین توجه به امور دنیوی و فریفته‌شدن به مال و تجمل دنیا به اختلاف میان انسان‌ها می‌انجامد. از منظر امام، باید انسان را برای توجه به فطرتش و دوری از امور دنیایی و تجمل‌پرستی دنیا تربیت کرد؛ زیرا تربیت انسان را از امور حیوانی و مربوط به جسم و ظاهر فراتر می‌برد و سبب می‌شود انسان به بالاترین مقامات سعادت برسد، اما درصورت انحراف نیز از پست‌ترین موجودات پست‌تر می‌شود (همان، ج ۷: ۵۳۲). امام به سیری‌ناپذیری انسان اشاره می‌کند و می‌گوید هیچ چیز انسان را سیر نمی‌کند، مگر اینکه تربیت شود که با این تربیت به تمام چیزهایی که می‌خواهد، یعنی دستیابی به کمال مطلق می‌رسد و با رسیدن به این کمال مطلق به آرامش دست می‌یابد (صادقی، ۱۳۸۲: ۵۴-۷۲). امام خمینی درباره اهمیت تربیت انسان بیان می‌کند: «حب به خیر در سرشت انسانی نهفته است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۴۵۰)؛ بنابراین از شر می‌گریزد و به خیر گرایش دارد (همان، ج ۱۹: ۱۳۶)، اما همین فطرت پاک از صلاح و فساد خانواده، جامعه و حکومت تأثیر می‌پذیرد (همان، ج ۱۴: ۳۳-۳۵). تمام رفتاری‌های عالم و فساد و هلاکت آن ناشی از آدم و نفسانیات او است (همان، ج ۲۰: ۳۹۶). آدم‌شدن و سرافرازی زحمت دارد. اگر انسان، سکوت، انزوا و انظلام را پیشه خود کند دیگر آدم حقیقی محسوب نمی‌شود (همان، ج ۱۸: ۳۱۴).

۶-۲. انسان‌سازی از منظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) بیان می‌کند: «قرآن کریم که در رأس تمام مکاتب و تمام کتب است حتی سایر کتب الهیه، آمده است که انسان را بسازد؛ انسان بالقوه را انسان بالفعل و موجود بالفعل کند. تمام دعوت انبیا هم حسب اختلاف مراتبه، تمام دعوت‌ها هم برای همین معناست که انسان را انسان کنند، انسان بالقوه را انسان بالفعل کنند. این‌ها برای این معناست که انسان ناقص را انسان کامل کند» (همان، ج ۳: ۲۱۸-۲۱۹). همچنین از منظر امام خمینی (ره) «اسلام تز دارد، برنامه دارد اسلام. اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن‌طور که هست بدهد. ادیان آمده‌اند که این میوه نارس را رسیده‌اش کنند؛ این میوه ناقص را کامل کنند. انسان شدن کار مشکلی است، لکن لازم است. خیال نکنید اسلام آمده حیوان تربیت کند یا آمده است خواب و خوراک برای حیوان درست کند. این یکی‌اش است. اسلام می‌خواهد انسان را موجودی رشید در همه ابعادش تربیت کند» (همان، ج ۴: ۹-۱۰). «اسلام و حکومت اسلامی به تمام شئون انسان از آن مرتبه پایین تا هر درجه‌ای که بالا برود، با همه این‌ها سروکار دارد. برای همین احکامش، احکام سیاسی است» (همان، ج ۳: ۲۱۹-۲۲۰). پیرو همین امر امام خمینی اسلام را برنامه‌ای کامل برای زندگی انسان و رشد او در تمام جنبه‌های وجودی‌اش می‌داند و حکومت اسلامی را ساختاری برای تسهیل و تحقق چنین امری مطرح می‌کند. از منظر امام خمینی «شما گمان نکنید غربی‌ها پیشرفت کرده‌اند. غربی‌ها در جهات مادی پیشرفت کرده‌اند، لکن معنویات ندارند. مکتب‌های توحیدی می‌خواهند انسان درست کنند و غرب از این معنی به کلی برکنار است» (همان، ج ۸: ۱۰۸). «تعلق به این عالم طبیعت، تعلق به این دنیا، اسباب این می‌شود که انسان را منحط کند. اگر انسان بر حب نفس خودش سیطره پیدا کند بر همه چیز سیطره پیدا می‌کند. اگر این سیطره نباشد، این آدم در غفلت و اهل دنیاست، دنیای دنی و پست» (همان، ج ۱۴: ۱۱-۱۲)؛ بنابراین از منظر امام خمینی، انسان محدود به بعد مادی شده است. دنیاطلبی نیز کاملاً گمراهانه است و سبب می‌شود انسان هرگز به تکامل نرسد.

امام خمینی انسان را موجودی پیچیده و هم‌زمان دارای ابعاد پست و الهی می‌بیند. از منظر ایشان انسان در راهی تربیتی می‌تواند بعد پست یا بعد الهی خود را رشد دهد. از منظر ایشان، اسلام برنامه‌ای کامل و جامع است که سبب می‌شود در کنار توجه به ابعاد پست و حیوانی انسان و پاسخ‌دهی به نیازهای این بعد، به بعد الهی و معنوی انسان توجهی ویژه شود و انسان در مسیر تکامل برای قرب الهی قرار بگیرد؛ بنابراین انسان، بودن نیست بلکه شدن است و چنین امری نیازمند آموزش، آگاهی، تربیت و برنامه‌ریزی است. در این میان، جامعه اسلامی با حکومت اسلامی می‌تواند راه را برای انسان شدن هموار کند.

۶-۳. کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی و شاخصه‌های آن‌ها از منظر امام خمینی (ره)

از منظر امام خمینی (ره) کوخ‌نشینان که همان مستضعفان به‌شمار می‌آیند شامل اقشار زیر هستند: «جوان‌ها، جوان‌های دانشگاهی، جوان‌های اداری، آن‌هایی که پیوند با ملت داشتند، بازاری، کشاورز، کارگر، همه این‌ها» (همان، جلد ۱۰: ۴۰۳). از منظر امام خمینی (ره) کوخ‌نشینان یا مستضعفان را نباید ضعیف دانست. «مستضعف‌ها یعنی آن‌هایی که قدرت دارند، قدرت ایمان دارند و آن‌ها [کاخ‌نشینان] نمی‌فهمند و این‌ها را مستضعف حساب می‌کنند و می‌گویند این‌ها ضعیف‌اند. نه اینکه شما ضعیفید، شما ایمان دارید. شما آن بودید که همچو قدرتی را با مشت عقب زدید و به جهنم فرستادید. قوت ایمان در شماست و حس شهادت‌خواهی که شما جوان‌ها مکرر از من می‌خواهید» (همان، ج ۱۰: ۱۲۱-۱۲۲).

از منظر امام خمینی (ره) وجود قدرت ایمان و وابسته‌نبودن به دارایی دنیا و به‌دنبال آن روحیه شجاعت، از خودگذشتگی و آمادگی برای شهادت در راه عقیده و ارزش‌ها، قدرت کوخ‌نشینان است. چنین ویژگی‌هایی تنها در میان مستضعفان یا همان کوخ‌نشینان وجود

دارد که به آن‌ها قدرت حرکت، تغییر و اصلاح جامعه را می‌دهد؛ چیزی که در میان کاخ‌نشینان نیست. کاخ‌نشینان با تمرکز بر خود و منافع شخصی محافظه‌کار هستند؛ زیرا تغییر و ایجاد اصلاح و انقلاب را در راستای منافع خود نمی‌بینند و از آن دوری می‌کنند یا حداقل بی‌تفاوت هستند. در این باره، امام خمینی (ره) بیان می‌کند کاخ‌نشینان ذره‌ای برای انقلاب اسلامی تلاش نکردند و در بهترین حالت بی‌تفاوت بودند. محافظه‌کاری و منفعت‌طلبی کاخ‌نشینان آن‌ها را مضطرب و نگران می‌کند؛ درحالی‌که کوخ‌نشینان با روحیه جمع‌گرایی و تغییر و اصلاح، کنشگری دارند و به همین دلیل نمی‌ترسند، آماده هر نوع تغییری هستند و نگران از دست دادن چیزی نیستند؛ زیرا آن‌ها حتی از زندگی‌شان گذشته‌اند و آماده شهادت در راه ارزش‌ها و عقیده خودشان هستند؛ بنابراین آن‌ها در آرامش و اطمینان قلبی قرار دارند.

«گمان نکنید که کاخ‌نشین‌ها بسیار مرفه هستند؛ آن‌ها دل‌هایشان لبریز از تزلزل است؛ آن‌ها قلب‌هایشان آرام نیست. تزلزلی که در بین کاخ‌نشین‌ها هست، در بین کوخ‌نشین‌ها نیست. آرامشی که این طبقه محروم دارند آن طبقه‌ای که به خیال خودشان در آن بالاها هستند، ندارند. شما اگر توجه کنید، قدرت‌های بزرگ را ببینید، می‌بینید که آن قدر اضطرابی که در سران قدرت‌های بزرگ هست در شما اشخاصی که برای خدا عمل می‌کنید و از خدا می‌خواهید اجر را این اضطراب نیست. این یک نعمتی است که خدا به شما داده و شاید ماها هم نتوانیم درست بفهمیم نعمت‌های خفی الهی را، نعمت طمأنینه، نعمت آرامش، نعمت سکینه قلب. اطمینان قلب، در شما گروه‌ها و در گروه‌های به نظر آن‌ها مستضعف هست و در آن بالاها نیست، آن بالاها همه اضطراب است. در کاخ‌های بزرگ نشستند و غصه می‌خورند. شما در کوخ‌ها نشستید و آن غصه‌ها را ندارید. این از الطاف خداست بر شما و من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی عنایتش را بر سر شما ملت عزیز و همه ملت‌های اسلامی مستدام دارد. ان شاءالله به‌زودی آن مستکبرین به‌جای خودشان بنشینند و آن‌هایی که به شما ظلم کردند و ستم و هجوم کردند، ان شاءالله خداوند آن‌ها را فانی کند» (همان، ج ۱۴: ۲۶۴).

از منظر امام خمینی (ره) سعادت واقعی بشر در وضعیت ایمان اوست نه دارایی دنیایی او. انسان با معنویت و ایمان به خداوند و استقامت در راه او است که می‌تواند به کمال و سعادت واقعی که قرب الهی است برسد. از نظر امام خمینی (ره)، دارایی دنیا و تلاش برای بهره‌مندی بیشتر از آن، کمال و سعادت واقعی ایجاد نمی‌کند و اگر از راه درست نباشد حتی موجب گمراهی است. امام خمینی (ره) پیامبران و ائمه اطهار (ع) و سیره زندگی آن‌ها را مثال می‌زند و می‌گوید انسان از راه واقعی خود که همان معنویت، ایمان و قرب الهی است نباید دور بشود. نباید خود را درگیر مادیات و مال دنیا کند، بلکه باید در راه ایمان بیشتر و معنویت بیشتر تلاش کند. به اعتقاد ایشان چه بسیار افرادی که در کوخ‌ها زندگی می‌کنند و از مال دنیا بی‌بهره هستند، اما از نظر ایمان، ثروتمند هستند و برعکس؛ بنابراین از نظر امام معیار سنجش سعادت و فقیر و غنی، براساس قرب الهی است نه دارایی و اموال دنیوی.

«انسان گمان می‌کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانک‌ها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد، شاید انسان این گمان را می‌کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می‌کنیم و سعادت‌ها را سنجش می‌کنیم، می‌بینیم که سعادت‌مندا آن‌هایی بودند که در کوخ‌ها بودند. آن‌هایی که در کاخ‌ها هستند سعادت‌مند نیستند. آن مقداری که برکات از کوخ‌ها در دنیا منتشر شده است هیچ در کاخ‌ها پیدا نمی‌شود. ما یک کوخ چهار پنج نفری در صدر اسلام داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا (س) است. از این کوخ‌ها هم محقرتر بوده، لکن برکات این چی است؟ خود رسول اکرم (ص) که در رأس همه واقع است زندگی کوخ‌نشینی داشته است» (همان، ج ۱۷: ۳۷۳-۳۷۵).

۶-۴. ویژگی‌های روان‌شناختی کوخ‌نشینان و کاخ‌نشینان از منظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) ترس و خوف را ویژگی کاخ‌نشینان و حکومت آن‌ها می‌داند. از منظر ایشان، کاخ‌نشینان همواره در سنجش و فکر منافع خود هستند؛ بنابراین به راحتی و از ترس لطمه به منافع و مقامشان، از موضع حق کنار می‌کشند و حاضر نیستند از خودشان و منافعشان برای حق بگذرند، اما کوخ‌نشینان کاملاً برعکس هستند. آن‌ها هیچ خوفی ندارند و نمی‌ترسند منافع و مقامشان را از دست بدهند؛ زیرا خوی آن‌ها به مقام و منافع وابستگی ندارد، بلکه برای دفاع از حق به راحتی از منافع و مقامشان می‌گذرند. کوخ‌نشینان آماده شهادت برای ارزش‌ها و آرمان‌هایشان هستند و از خود و منافعشان دست می‌کشند؛ به همین دلایل حکومت و دولت کوخ‌نشینان پیرو احقاق حق و برابری و عدالت است.

«یکی از خاصیت‌های بزرگش این است که این‌ها دیگر از قدرت‌ها نمی‌ترسند. خاصیت اعیانیت و اشرافیت به اصطلاح و رفاه این است که چون همیشه خوف این مطلب که مبادا از این مقام پایین بیایم و مبادا یک لطمه‌ای به اشرافیت من بخورد، این خوف اسباب این می‌شود که نسبت به زیردست‌ها ظالم و نسبت به بالادست‌ها توسری خور باشد. امروز خاصیت حکومت محرومین این است که خوف به دلشان راه نمی‌دهند. ایران حکومت مردم است، حکومت مردمی دیگر نمی‌تواند بترسد. حکومت مستمندان است، حکومت مستضعفان است. این‌ها در دلشان خوف نیست به اینکه اگر چه بشود ما مقام‌مان را از دست می‌دهیم. مقام نیست توی کار، هیچ‌یک از این‌ها به فکر این نیستند که ما الآن یک مقامی داریم و مقام‌فروشی بکنند و هیچ‌کدام هم یک زندگی اشرافی ندارند که بترسند از دستشان گرفته بشود و چون حکومت ایمان است، خوف از شهادت هم ندارند. حکومت، حکومت محرومین است، محرومین ترس ندارند از این امور، آن حکومت اشراف بود که تشر می‌زدید و آن‌ها جا می‌خوردند. این‌ها حکومت توده است، توده مردم است، محرومین است، بازار است، خیابان است و کارگران‌اند و کشاورزان، حکومت مال این‌هاست. یک همچو حکومتی، نه از آن ابرقدرت می‌ترسد و از جنگ هم نمی‌ترسند. حکومت مردم این است خاصیتش در مقابل حکومت اشرافی، حکومت مردمی یکی از خاصیات بزرگش این است که خوف در دلشان نیست» (همان، ج ۱۸: ۲۹-۳۲).

از منظر امام خمینی (ره)، در حکومت محرومان چون حاکمان و دولتمردان از خود مردم هستند و از آن‌ها فاصله ندارند، حاکمیت با مردم همبسته و یکدست است؛ بنابراین مردم پشتیبان حاکمیت و نظام قدرت خود هستند و در همه لحظه‌ها به‌ویژه لحظات بحرانی مانند جنگ، با تمام قوا از حاکمیت خود دفاع می‌کنند؛ چون آن را از خود و برای خود می‌دانند.

«یکی از خاصیت‌های حکومت محرومان این است که مردم پشتیبان حکومت هستند. اگر نصف مردم پشتیبان محمدرضا بودند، این مصیبت‌ها به سر او می‌آمد؟ مردم یکپارچه پشتیبان این حکومت هستند. اگر حکومت یک گرفتاری پیدا بکند این مردم‌اند که رفع می‌کنند گرفتاری را. اگر جنگ برای دولت پیش آید، این مردم‌اند که جبهه‌ها را پر می‌کنند و پشت جبهه‌ها را هم خدمت می‌کنند در پشت جبهه‌ها، این خاصیت حکومت مردمی است. امروز مجلس چون مجلس مردمی است، این مجلس مردمی می‌تواند به فکر محرومین باشد و مجلس دیروز نمی‌توانست که به فکر محرومین باشد؛ برای اینکه محروم تویش نبود، اگر هم بود یکی دوتا بود که کاری از او نمی‌آمد، اما امروز مجلس، مجلسی است که محرومیت کشیده‌اند. اهل این مجلس، یک همچو مجلسی می‌تواند خدمت کند به این کشور و یک همچو مجلسی پشتیبانش همین مردم کوچه و بازار هستند. این هم یکی از خاصیت‌های بزرگ حکومت مردمی است که خوف اینکه چه بشود ندارند» (همان، ج ۱۸: ۳۲-۳۳).

از نظر امام خمینی (ره) زمانی که در جامعه اسلامی، حاکمیت و مردم از کوخ‌نشینان هستند و مناصب و مسئولیت‌ها در دست مردم محروم است، چنین یکدستی و هماهنگی علاوه بر اینکه موجب همبستگی است، مانع بروز تعارض و اختلافات است؛ زیرا کسی به دنبال

منافع شخصی نیست که موجب اختلاف شود، بلکه همه برای رضای خدا و ارتقای وضعیت همگانی تلاش می‌کنند؛ بنابراین همبستگی و همگونی در جامعه به بالاترین حد خود می‌رسد که موجب کمال و تعالی جامعه است.

«کسانی که توجه به دنیا دارند، نمی‌شود اختلاف نداشته باشند. هرکسی برای خودش می‌خواهد. آن‌هایی که اختلاف ندارند، آن‌هایی هستند که به دنیا اعتنا ندارند. آن‌هایی هستند که ارزش‌ها را بهش توجه دارند، آن‌ها بینشان اختلاف واقع نمی‌شود. اگر همه انبیا جمع بشوند و همه اولیا جمع بشوند، با هم اختلاف نمی‌کنند، یک کلمه اختلاف ندارند، لکن اگر دو تا کدخد در یک ده باشند اختلاف پیدا می‌کنند. اگر دو عالم باشد روحانی واقعاً صد عالم روحانی باشد، ممکن نیست با هم اختلاف داشته باشند، اما اگر دو عالم باشد یا دو صورت عالم باشد که بخوهد دکان درست کند برای خودش، شکی نیست که با عالم دیگری که باز آن هم همین جور است اختلاف پیدا می‌شود و همین‌طور چنانچه سران یک کشوری برای خدا کار بکنند، این‌ها اختلاف نخواهند پیدا کرد و باید توجه کنند که گمان نکنند که مأمون‌اند از اینکه به راه ابلیس بروند» (همان، ج ۲۰: ۲۲۴-۲۲۹).

۶-۵. نقش کوخ‌نشینان و کاخ‌نشینان در انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور امام خمینی (ره) در جایگاه رهبری، یکی از دغدغه‌های ایشان نابرابری طبقاتی در جامعه و نیاز طبقه پایین به توجه و رسیدگی بوده است.

«شما مطمئن باشید که اسلام برای مستضعفین است. اشخاصی که سرمایه‌دار بودند مکرر جمعیتشان به اینجا آمدند و با آن‌ها صحبت کردم. گفتم نمی‌شود یک دسته‌ای آن‌طور زندگی بکنند و حتی برای سگ‌هایشان اتومبیل داشته باشند و یک دسته دیگر توی این زاغه‌ها باشند که هر ده نفریشان توی سوراخی. این اصلاً قابل تحمل نیست. ما باید این اشخاص فاسد را بکشیم یک قدری پایین‌تر و این مستضعفین را قدری بالاتر و به هم نزدیکشان کنیم» (همان، ج ۱۰: ۳۳۷-۳۴۸).

از منظر امام خمینی (ره) طبقات بالای جامعه، اوایل انقلاب با فساد مالی در رژیم پهلوی برای خودشان جایگاهی ساخته‌اند؛ بنابراین برای داشتن آن محق نیستند و باید بخشی از دارایی خود را به نفع محرومان و مستضعفین در اختیار آنان بگذارند. از نظر امام خمینی (ره) محرومان و مستضعفان جامعه در پایین‌شهر، گودها و حاشیه شهرها ساکن هستند. آن‌ها کوخ‌نشین هستند؛ یعنی کسانی که بدون هیچ توقع و انتظاری برای انقلاب اسلامی تلاش کرده‌اند. آن‌ها همه دارایی و انرژی خود را در راه وقوع انقلاب اسلامی صرف کرده‌اند. آن‌ها نیروهای اصلی انقلاب اسلامی هستند و نظام جمهوری اسلامی مدیون آن‌هاست. از منظر امام خمینی (ره) همین محرومان و مستضعفان برای نظام جمهوری اسلامی ارزش‌مندتر و مهم‌تر هستند.

«من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ‌نشینان بالاتر می‌دانم؛ اگر آن‌ها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. یک موی شما بر همه آن کاخ‌نشین‌ها و آن‌هایی که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می‌توانستند می‌کردند و الان هم هر مقدار که بتوانند می‌کنند. شما طبقه محروم، چه دانشگاهی و چه روحانی و چه زاغه‌نشین‌ها و کارگرها بودید که این‌طور نهضت را با وحدت کلمه و بانگ الله‌اکبر پیش بردید. شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروه‌هایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند. این کاخ‌نشین‌ها هستند که ضعیف‌اند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود. جوان‌های دانشگاه که آن‌ها هم از محرومین و مستضعفین‌اند و این طبقه محروم جامعه بود که از همه رفاه‌ها محروم بود» (همان، ج ۱۰: ۲۳۷ و ۴۰۲-۴۰۳).

از منظر امام خمینی (ره) همین محرومان و مستضعفان جامعه با تمام وجود و دارایی خود در میدان انقلاب اسلامی حاضر بودند و از آن نیز دفاع کردند. آن‌ها متعهد به اسلام و ارزش‌های اسلامی هستند؛ زیرا برخلاف کاخ‌نشینان که به دنبال منافع شخصی خودشان

هستند، کاملاً به انقلاب اسلامی متعهد بودند و برای آن کشته شدند، شهید شدند، شهید دادند و همچنان بعد از تحقق جمهوری اسلامی از آن دفاع می‌کنند و در جبهه‌های جنگ برای آن می‌جنگند و شهید می‌شوند. پیرو همین امر، از منظر امام خمینی (ره) کاخ‌نشینان فردگرایانی هستند که با فردگرایی منفی منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و به جمع، جامعه و بهبود وضعیت جامعه توجهی ندارند، اما کوخ‌نشینان روحیه جمع‌گرا و اجتماعی دارند و بیش از اینکه به منافع خود توجه کنند به دنبال اصلاح جامعه و بهبود وضعیت جامعه هستند.

«آن‌هایی که هیچ حظی در این میدان نداشتند و جز خرابکاری از آن‌ها کاری ساخته نیست و الآن هم در گوشه و کنار کشور مشغول به خرابکاری هستند، آن‌ها بودند که کنار نشسته بودند و منتظر این بودند که یک طرف غلبه کند و آن‌ها بیایند و بهره‌برداری کنند، میوه‌چینی کنند. همان‌ها هستند که نمی‌گذارند که این ملت توجه بکند به جنگ و مشغول به تبلیغات هستند در خیابان‌ها و در کوچه‌ها و محله‌ها. شما هستید که کشور را از دست ابرقدرت‌ها نجات دادید و این طبقه عزیز محروم که در ازای خدمتش غیر از خدا از کس دیگری چیزی نمی‌خواهد. آن کاخ‌نشین‌ها یک شاهی خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آن‌ها اگر مشغول افساد و فساد نباشند، بی‌تفاوت هستند» (همان).

۶-۶. پیامدهای زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی برای جامعه از منظر امام خمینی (ره)

از منظر ایشان فراغت از دنیا و تمرکز بر ایمان، رضایت الهی و قرب الهی موجب می‌شود انسان بدون دغدغه و با فراغت از شهوت‌های دنیا به تفکر و تعقل بپردازد؛ به همین دلیل بیشتر اختراعات، تصنیف‌ها، تألیف‌ها و نوآوری‌ها را افرادی انجام داده‌اند که از دارایی دنیا کم‌بهره یا بی‌بهره هستند. بیشتر آن‌ها کوخ‌نشینی هستند که در درجات بالای علمی و فکری قرار دارند؛ درحالی‌که کاخ‌نشینان در اضطراب، شهوت دنیا و دنیاطلبی گرفتارند.

«از این معنویات که گذشتیم، در این امور فرهنگی، در این امور مادی، در این اموری که اختراعات و کشفیات هست، شما اگر گردش کنید در بین کاخ‌نشینان، گمان ندارم که پیدا کنید یک کاخ‌نشین موفق شده است به یک اختراع. کوخ‌نشینان بودند که موفق شده‌اند به این اختراعات. طبع قضیه کاخ‌نشینی، توجه به عیش و عشرت و توجه به دنیا و توجه به مال و منال است و نمی‌تواند شهوت و شکم، این طبقه را مهلت بدهد که در یک امر تفکری وارد بشوند و فکر بکنند. آن‌هایی که اختراع کرده‌اند، آن‌هایی که زحمت کشیده‌اند و کتاب‌های ارزنده تحویل جامعه داده‌اند در هر رشته‌ای، این کوخ‌نشینان بوده‌اند. طبع کاخ‌نشینی منافات دارد با تربیت صحیح، منافات دارد با اختراع و تصنیف و تألیف و زحمت. اگر در سرتاسر دنیا هم بخواهید گردش کنید و پیدا کنید، اگر موفق بشوید، یکی دو تا و چند تا است. تمام مصنفین از این کوخ‌نشینان بودند تقریباً و تمام مخترعین از همین کوخ‌نشینان بودند. شیخ طوسی که مبدأ این امور و ارزنده‌ترین اشخاص در جامعه تشیع بوده است یک کاخ‌نشین نبوده است. وقتی که در متأخرین از علما ملاحظه می‌کنیم می‌بینیم که صاحب جواهر یک همچو کتابی نوشته است که اگر صد نفر انسان بخواهند بنویسند شاید از عهده برنیايند و این کاخ‌نشین نبوده» (همان، ج ۱۷: ۳۷۳-۳۷۵).

از منظر امام خمینی (ره) پیامدهای خوی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی برای جامعه به این شکل است که خوی کاخ‌نشینی برای جامعه مضر است؛ زیرا خوی کاخ‌نشینی سبب می‌شود همه توجه و تمرکز فرد بر امور دنیایی، برای مثال باغداری باشد. چنین شخصی نمی‌تواند انسان به معنای واقعی و آن‌طور که باید بشود؛ زیرا آن‌ها خودخواه و فردگرا هستند و منفعت شخصی خود را دنبال می‌کنند. درحالی‌که کوخ‌نشینان می‌توانند کار را برای رضای خدا و برای جامعه انجام دهند. آن‌ها جمع‌گرا هستند و به غیر از خود نیز می‌اندیشند و اثر مثبت

کار خود را در نظر می‌گیرند. از منظر امام خمینی (ره) خو و اخلاق کاخ‌نشینی در جامعه باید به محدودترین حالت ممکن برسد؛ زیرا فاسد است و انتشار آن در میان جامعه، موجب انحطاط اخلاقی و گمراهی جامعه می‌شود.

«ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ‌نشینی را از این ملت بزدااییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ‌نشینی به پایین بکشید. خود کاخ‌نشینی این خوی را می‌آورد، ممکن است که در بین آن‌ها هم کسی پیدا بشود، لکن نادر است. توجه کنید که این ملتی که الآن کوخ‌نشینانش مشغول فعالیت هستند و مشغول به زحمت هستند در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، این کوخ‌نشینان را زحمت بکشید که به همین حال خوی کوخ‌نشینی و خوی اینکه توجه به کاخ‌ها نداشته باشند نگه دارید تا بتوانید ادامه بدهید زندگی صحیح اسلامی را. آن خوی کاخ‌نشینی مضر است، خودش مضر نیست، خویش مضر است، لکن خود او این خوی را دنبال دارد» (همان، ج ۱۷: ۳۷۵-۳۷۶).

۶-۷. توصیه امام خمینی (ره) برای افسار و حاکمان درباره کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی

امام خمینی (ره) در راه پرهیز از گسترش خوی کاخ‌نشینی و ترویج و گسترش خوی کوخ‌نشینی، به روحانیون و اهل علم توصیه می‌کند همواره روحیه ساده‌زیستی و کوخ‌نشینی خود را حفظ کنند. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، از منظر امام، دانشجویان، طلاب، اهل علم و روحانیون از جمله کوخ‌نشینان هستند؛ بنابراین ایشان توصیه می‌کند در جامعه جمهوری اسلامی نیز خوی کاخ‌نشینی به خود نگیرند و از آن پرهیز کنند؛ زیرا خوی کاخ‌نشینی آن‌ها را از مستضعفان یا مردمی که بیشتر جامعه را تشکیل می‌دهند، دور می‌کند. چنین دوری و فاصله‌ای به طاغوت و دوری از ارزش‌ها و اصول اسلامی می‌انجامد؛ بنابراین از منظر امام خمینی (ره) در نظام جمهوری اسلامی، روحانیون و اهل علم باید مانند پیشگامان و استادان خود در حفظ خوی کوخ‌نشینی خود بکوشند و از کاخ‌نشینی دوری کنند؛ زیرا ارزش انسان به دارایی مادی دنیا نیست و باید در معنویت و تقویت ایمان خود بکوشند.

«روحانیون زی‌اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته، چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر، زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پایین‌تر بود و یا مثل آن‌ها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زی‌آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید؛ برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آن وقت نداشتند که مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دستشان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد. باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم» (همان: ۴۵۲-۴۵۳). «و یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آن‌هایی که خالق آثار بزرگ بودند در زندگی، ساده زندگی کردند. آن‌هایی که در بین مردم موجه بودند که حرف آن‌ها را می‌شنیدند، آن‌ها ساده زندگی کردند» (همان، ج ۱۹: ۲۵۱-۲۵۲).

از منظر امام خمینی (ره) حکومت جمهوری اسلامی باید حکومت محرومان و کوخ‌نشینان باشد؛ زیرا بیشتر مردم جامعه کوخ‌نشین هستند؛ پس حکومت محرومان بر محرومان، حکومت مردم است. کسانی مناصب را در دست دارند که از درون خود مردم بیرون آمده‌اند، مسائل و مشکلات آن‌ها را تجربه و درک می‌کنند و به همین دلیل بهتر می‌توانند به مردم رسیدگی کنند. از آنجا که دولتمردان خودشان از کوخ‌نشینان هستند بیشتر به فکر مناطق محروم، کوخ‌نشینان و رسیدگی به وضعیت آن‌ها هستند و این موجب رشد جامعه می‌شود. همچنین دولت محرومان و دولتمردان کوخ‌نشین، چون به دنبال رضای خدا و خدمت به جمع و جامعه هستند و خیلی کم یا اصلاً به فکر منافع شخصی خود و بهره و سود خود نیستند، فساد در دولت کمتر می‌شود و رسیدگی حداکثری به محرومان خواهد شد.

«کسانی که از اول کودکی تا آن وقتی که به حکومت رسیدند در مهد آرامش و رفاه بار آمدند، این‌ها ادراک این مطلب را که قشر دیگری هم ما داریم که قشر مستمند است نمی‌کردند. اگر هم یک وقتی هم در ذهنشان می‌آمد، عبور می‌کرد. فکر این نبودند که این طبقه هم یک موجودیتی دارد و باید برای موجودیت این‌ها هم فکری کرد. اگر در یک مجلسی یک نفر، دو نفر هم از طبقه محرومین پیدا می‌شد، در یک اقلیت بسیار ضعیف بودند که در مقابل آن جمعیت کثیر نمی‌توانستند کاری انجام بدهند. اصل جنس اسکلت حکومت اشرافی این است که به مردم نرسند. یکی از نعمت‌های بزرگی که خدای تبارک و تعالی به این ملت عنایت فرمود اینکه حکومت، حکومت مستضعفین است، حکومت محرومین است و خاصیت یک حکومت محرومین، مستضعفین و حکومت مردمی این است و لهذا خاصیتی که حکومت محرومین دارد یکی اینکه چون احساس کرده‌اند محرومیت را به فکر محرومین می‌توانند باشند» (همان، جلد ۱۸: ۲۸-۲۹).

۸-۶. پیش‌بینی و نظر امام خمینی (ره) درباره ظهور کاخ‌نشینی و تضعیف کوخ‌نشینی بعد از انقلاب اسلامی

امام خمینی (ره) در راستای تشکیل حکومت محرومان و کوخ‌نشینان بیان می‌کند حکومت جمهوری اسلامی باید حکومت محرومان، مستضعفان و کوخ‌نشینان باشد. همه دولتمردان و مسئولان آن و نمایندگان مردم باید خوی کوخ‌نشینی داشته باشند و از درون همین مردم محروم باشند تا آن‌ها را درک کنند. اگر روزی دولتمردان خوی کاخ‌نشینی بیابند باید فاتحه حکومت اسلامی را خواند؛ زیرا سبب انحراف و نابودی در ارزش‌ها و اهداف آن می‌شوند.

«شما امروز در جامعه خودتان وقتی ملاحظه بکنید، در جامعه اهل علم و -عرض می‌کنم که- مدرسه‌نشین‌ها، این‌ها که زحمت می‌کشند و کار برای این جمهوری اسلامی می‌کنند، این‌ها همین کوخ‌نشین‌ها هستند. ما بحمدالله امروز همه دست‌اندرکارهایمان کاخ‌نشین نیستند. دولت ما یک دولت کاخ‌نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند خدای نخواسته و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. آن روزی که توجه اهل علم به دنیا شد و توجه به این شد آن روز است که باید ما فاتحه اسلام را بخوانیم» (همان، ج ۱۷: ۳۷۵-۳۷۶).

از دیدگاه امام خمینی (ره) دولتمردان و مسئولان باید به فکر مردم محروم و مستضعف باشند و برای بهبود وضعیت آن‌ها و رسیدگی به شرایط محرومان و کوخ‌نشینان تلاش کنند. هدف نظام جمهوری اسلامی باید رفع مشکلات محرومان و کوخ‌نشینان باشد. البته برای این کار زمان لازم است با ایجاد بسترهای لازم به همه مسائل رسیدگی کرد؛ بنابراین باید صبر داشت و مردم با صبر و همکاری امکان رفع مشکلات را فراهم آورند.

«یک مملکت خراب، یک مملکت ویران، یک مملکتی که همه ذخایرش را به چپاول بردند حالا می‌خواهد تازه شروع کند، شروع به نوسازی. این شروع به نوسازی محتاج به وقت است. این طور نیست که غفلت از حال مستمندان شده باشد و یا از حال کارگران شده باشد، خیر. ما همه به فکر شما هستیم و ما ان‌شاءالله بعد از اینکه بتوانیم استقرار بدهیم جمهوری اسلامی را، اسلام در فکر کارمندان و در فکر کارگران و در فکر مستضعفان بیشتر است تا فکر دیگری. شما مطمئن باشید که اگر ما توانستیم قدرت پیدا بکنیم و اسلام را به آن طور که هست پیاده بکنیم، برای همه شما و برای آن‌هایی که از شما خیلی بدتر هست زندگی‌شان، فکر خواهد شد و این محتاج به یک مهلتی است. نمی‌شود یک مملکتی که خراب شده است و همه چیزش به باد رفته است حالا یک‌دفعه ما صبح بکنیم و بهشت

درست بشود و این یک امری است نشدنی» (همان، ج ۷: ۲۶-۲۷). «ما الآن بین راه هستیم و در بین راه نمی‌توانند که همه مسائل را حل بکنند و من امیدوارم این اختلافات طبقاتی ننگین به آن صورت نخواهد ماند» (همان: ۲۷-۲۸).

از منظر امام خمینی (ره) علاوه بر اینکه دولتمردان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید به وضعیت محرومان و کوخ‌نشینانی که از خودشان هستند رسیدگی کنند، باید مراقب باشند که خوی کاخ‌نشینی نگیرند و از مردم دور نشوند. ایجاد فاصله میان مسئولان و مردم کوخ‌نشین سبب ایجاد فاصله و تعارض می‌شود. همچنین مردم را از حاکمیت اسلامی دور می‌کند و چنین امری موجب اضمحلال نظام جمهوری اسلامی می‌شود؛ بنابراین مسئولان مسئولیت سنگینی بر عهده دارند و آن حفظ خوی کوخ‌نشینی و پرهیز از خوی کاخ‌نشینی و فاصله گرفتن از مردم و محرومان است.

«از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مسئله‌ای است که به همه روحانیت و دست‌اندرکاران کشور مربوط می‌شود و همیشه نگران آن هستم که مبادا این مردمی که همه چیزشان را فدا کردند و به اسلام خدمت نموده و به ما منت گذاشتند، به واسطه اعمال ما از ما نگران بشوند؛ زیرا آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان» (همان، ج ۱۹: ۳۱۷).

بنابراین از منظر امام خمینی (ره) توجه و رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان باید در اولویت حکومت جمهوری اسلامی باشد. تمام مسئولان و دولتمردان نیز باید بر بهبود وضعیت محرومان و مستضعفان جامعه تمرکز کنند.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به روش تحلیل اسنادی انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد امام خمینی (ره) انسان را موجودی دارای دو ذات حیوانی و الهی می‌داند که تربیت و آموزش سبب کنترل بعد حیوانی و تقویت بعد الهی او می‌شود. از منظر امام خمینی (ره) تربیت اساس انسان‌سازی است؛ انسانی که باید هدفش رسیدن به کمال و قرب الهی باشد. برای چنین امری نظام تربیتی و جامعه بسیار مهم هستند؛ زیرا عاملان تعیین چگونگی تربیت انسان‌ها به‌شمار می‌روند.

از منظر امام خمینی (ره) کاخ‌نشینی انحراف یا گمراهی در جامعه ایده‌آل یعنی همان جامعه اسلامی است. از منظر ایشان آموزه‌های دینی-اسلامی و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع)، همواره بر کوخ‌نشینی با محوریت ساده‌زیستی، بی‌توجهی به مال دنیا، دوری از دنیاپرستی و مصرف‌گرایی را تأکید می‌کنند؛ بنابراین در جامعه‌ای که کوخ‌نشینان، محرومان و مستضعفان نیروی اصلی و انقلابی آن را تشکیل می‌دهند، بر محوریت کوخ‌نشینی زندگی کنند و خوی کوخ‌نشینی را هم در عرصه حاکمیتی حفظ کنند. از منظر ایشان، مدیران، مسئولان و دولتمردان سراسر باید از کوخ‌نشینان باشند و خوی کوخ‌نشینی خود را نیز حفظ کنند.

امام خمینی (ره) برای کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی ویژگی‌هایی را مطرح می‌کند که پیرو آن‌ها جمهوری اسلامی ایران باید جامعه‌ای همچون جامعه زمان پیامبر (ص) باشد که ناظر بر توجه به محرومان و مستضعفان است و همچنین ساده‌زیستی، پرهیز از دنیاطلبی و زندگی و فعالیت در راه خدا و برای رضای خدا، روح غالب آن است. ویژگی‌های کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. مقایسه زندگی کوخ‌نشینی و کاخ‌نشینی براساس اندیشه امام خمینی (ره)

ردیف	خوی و زندگی کوخ‌نشینی	پیامدها و اثرات	خوی و زندگی کاخ‌نشینی	پیامدها و اثرات
------	-----------------------	-----------------	-----------------------	-----------------

۱	جمع‌گرایی / فردگرایی مثبت	توجه به صلاحیت عمومی، ارتقای جامعه و رقابت بر سر خدمت به جمع	فردگرایی منفی	توجه صرف به منافع شخص و تعارض و تضاد با دیگران
۲	وابسته‌نبودن به تعلقات دنیوی / فراغت از دغدغه‌ها و شهوت‌های دنیوی	شجاعت، از خودگذشتگی برای ارزش‌ها، روحیه کنشگری برای تغییر و اصلاح، روحیه بخشش، تفکر، تعقل، نوآوری، اختراع و آمادگی برای شهادت در راه عدالت	وابستگی به تعلقات زندگی دنیوی و مادیات، دغدغه‌ها و شهوت‌های دنیوی	محافظه‌کاری، روحیه ترس از دست دادن منافع و مقام، تشویش، آشفتگی روحی و ذهنی و منفعت‌طلبی
۳	روحیه انقلابی و کنشگری برای تغییر / اصلاح	نشاط، پویایی، آرامش و اطمینان	محافظه‌کاری	اضطراب، نگرانی و ترس
۴	فعالیت برای رضای خداوند و خدمت به جامعه	آرامش و اطمینان، توجه به اثرات مثبت فعالیت‌ها	فعالیت برای منافع شخصی	اضطراب، تشویش و نگرانی، ترس و توجه به آورده‌ها و سودها
۵	توجه به محرومان و مستضعفان	مدارای اجتماعی، همبستگی اجتماعی و همکاری اجتماعی	بی‌توجهی به نیازمندان و محرومان	ظلم، استکبار، ایجاد فاصله اجتماعی و از هم‌گسیختگی اجتماعی
۶	همبستگی اجتماعی و پیوند با عموم مردم	تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت عموم مردم، تقویت انجام اجتماعی و اعتماد عمومی	فاصله اجتماعی و دوری از طبقات دیگر	از دست دادن سرمایه اجتماعی و حمایت عموم مردم، ضعف انسجام اجتماعی و گسترش بی‌اعتمادی عمومی

از منظر امام خمینی (ره) در جامعه اسلامی، کاخ‌نشینی و زندگی کاخ‌نشینی فساد و برای جامعه مضر است؛ زیرا موجب ایجاد فاصله اجتماعی، بی‌اعتمادی عمومی، تضعیف همبستگی و انسجام اجتماعی، ایجاد حس بی‌عدالتی و درنهایت تضاد و تعارض در جامعه می‌شود، اما کوخ‌نشینی و زندگی کوخ‌نشینی، سبب همبستگی، انسجام و اعتماد در جامعه می‌شود و بستر را برای مشارکت بیشتر فراهم می‌کند؛ زیرا هدف از هر اقدام و مشارکتی رضای خداوند است و چنین امری علاوه بر اینکه انگیزه در کنشگر ایجاد می‌کند، بلکه به بازتولید مشارکت و فعالیت بیشتر در خدمت جمع و جامعه منجر می‌شود؛ در نتیجه جامعه اسلامی کاملاً باید بر محور کوخ‌نشینی و زندگی کوخ‌نشینی باشد. همه مردم، دولتمردان، حاکمان و مسئولان باید زندگی کوخ‌نشینی داشته باشند و از درون همین کوخ‌نشینان بیرون آمده باشند. در چنین جامعه‌ای عدالت محقق می‌شود، تضاد طبقاتی و فاصله طبقاتی کم می‌شود، همبستگی، انسجام، اعتماد و مشارکت در جامعه افزایش می‌یابد و پیوندی قوی میان حاکمیت و مردم ایجاد می‌شود؛ زیرا حاکمیت از خود همین مردم است و برای آن‌ها خدمت می‌کند؛ بنابراین جامعه‌ای با روح و زندگی کوخ‌نشینی پایدار است و رشد و توسعه خواهد یافت و همچنین در بحران‌ها از جمله جنگ‌ها، فتنه‌ها و کارشکنی‌ها نمی‌توانند خدشه‌ای به جامعه وارد کنند؛ زیرا مردم و حاکمیت در قالب کلیتی منسجم هر ضربه‌ای را نمی‌پذیرند و دفع می‌کنند.

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۹). *مقدمه ابن‌خلدون*. ترجمه پروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اخلاقی، مرضیه و شریعتمداری، شایسته (۱۳۸۵). *انسان‌شناسی در اندیشه امام خمینی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام اشپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹). *فلسه سیاست*. ترجمه هدایت‌الله فروهر. تهران: نشر نظر.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*. دوره ۲۲ جلدی. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه*. مجموعه دو جلدی. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدی، بهروز، جعفری‌نژاد، مسعود و فوزی، یحیی (۱۳۹۸). نقش ساده‌زیستی کارگزاران حکومتی در سلامت نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). *پژوهشنامه متین*، ۸۵، ۷۱-۵۷.
- زاهدی، عبدالرضا و کریمی‌درچه، محمد (۱۳۹۲). زهد و ساده‌زیستی و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی از منظر آیات و روایات. *مجله معرفت اخلاقی*، ۴(۲)، ۳۳-۴۰.
- سوروکین، الکساندر پیتریم (۱۳۷۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*. ترجمه اسدالله نوروزی. رشت: حق‌شناس.
- صادقی‌ارزگانی، محمدامین (۱۳۸۲). *انسان کامل از نگاه امام خمینی و عارفان مسلمان*. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. فارابی، محمد (۱۳۹۸). *آراء اهل‌المدینه الفاضله و مضاداتها*. تهران: دار زین‌العابدین.
- گیدنز، آتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. ترجمه ناصر موفقیان. چاپ اول. تهران: نشرنی.
- محسن، مهدی (۱۳۵۸). *فلسفه تاریخ ابن‌خلدون*. ترجمه مجید مسعودی. تهران: علمی و فرهنگی.